

جنايات

فرديناند فون شيراخ

www.ketab.ir

برگردان: فرهاد عبادی

کتاب دانیال	ناشر
جنايات	عنوان
فردیناند فون شیراخ	نویسنده
فرهاد عبادی	برگردان
سمانه علیخانی، شاريس ملکم آبکار	ویراستاران
داوید میناسیان	طراح جلد
۶۰۰	تیراژ
اول- تابستان ۱۴۰۳	نوبت چاپ
۹-۱۰-۵۴۲۹-۶۲۲-۹۷۸	شابک

ISBN : 978-622-5429-10-9



قیمت

۲۵۰

www.ketab.ir

کتاب دانیال

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از چاپی و دیجیتالی موجب پیگرد قانونی می‌شود. تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.

آدرس: منطقه آزاد ارس- خُلفا - مجتمع تجاری بین‌المللی
مشاهیر آذربایجان- طبقه اول - واحد ۶۱- انتشارات کتاب دانیال



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه

: شیراخ، فردیناند فون، ۱۹۶۴ - م.

Schirach, Ferdinand von

عنوان و نام پدیدآور

: جنایات/ فردیناند فون شیراخ؛ برگردان فارسی
فرهاد عبادی.

مشخصات نشر

: تهران: کتاب دانیال، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری

: ۱۸۸ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک

: 9۹۷۸-10-5429-622-

وضعیت فهرست نویسی

: عنوان اصلی: crimes.

یادداشت

: داستان‌های آلمانی - قرن ۲۱.

موضوع

German fiction -- 21st century

شناسه افزوده

: عبادی، فرهاد، ۱۳۴۶-، مترجم.

رده بندی کنگره

: PT۲۷۱۵:

رده بندی دیویی

: ۹۲/۸۳۳:

شماره کتابشناسی ملی

: ۹۲۶۹۶۵۸:

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

درباره نویسنده:

این کتاب اولین اثر ادبی فردیناند فون شیراخ (Ferdinand von Schirach)، وکیل سرشناس آلمانی است که در آن زنجیره‌ای از روایات در تجربه‌ی حرفه‌ای خود و موفقیت-آمیزترین دعاوی سال‌های اخیر را منتشر می‌کند.

این کتاب، علاوه بر این که توانست جایزه‌ی کلایست^۱ را برای او به ارمغان بیاورد، همچنین باعث شد منتقدان نیز در مورد آن نظر بدهند و به مدت تقریباً یک سال در صدر پرفروش‌ترین کتاب‌ها قرار بگیرد.

نزدیک به هفتصد پرونده از زمان اشتغال او به عنوان وکیل کیفری در برلین تجربه‌ای است که فون شیراخ با تیزبینی غریزی داستان‌سرایانه آنها را در اثری ادبی با فضایی شیفته‌گون روایت می‌کند.

زبان متین و موجز دست‌نویسی به واقعیت قضایی، بر توجه شیراخ به جرائم مرتکب شده توسط افراد عادی تأکید نموده و باعث شده تا رویدادها واقعیت را به صورتی عریان نشان بدهند.

کتاب «جنايات» که عمیقاً اصیل، افشاکننده و سرشار از ظریف‌های گوناگون است، بحث هیجان‌آور حقیقت اغفال‌کننده در روندهای کیفری را مطرح نموده و در مورد مفهوم مجازات به تفکر می‌نشیند، اما ورای همه چیز این کتاب با نزدیک بودن به موجودی به نام انسان با ما از نگون‌بختی و بزرگی همان انسان صحبت می‌کند.

برگردان این اثر از زبان آلمانی به زبان اسپانیایی با همکاری مؤسسه گوته انجام شده است.

^۱ - جایزه ادبی آلمان به یادبود مرگ هاینریش فون کلایست، نویسنده آلمانی

واقعیتی که در مورد آن می‌توانیم صحبت کنیم،
در خود، هرگز واقعیت نیست.

وینر کارل هایمنر

جیم جارموش (Jim Jarmusch) یک بار گفت که به جای ساختن یک فیلم در مورد امپراتور چین ترجیح می‌دهد فیلمی در مورد مردی بسازد که با سگش برای قدم زدن از خانه خارج می‌شود. برای من هم این‌گونه است. در مورد فرآیندهای کیفری می‌نویسم که در آنها بیش از هفتصد بار به عنوان وکیل مدافع منصوب بوده‌ام، ولی در حقیقت از انسان، شکست‌هایش، تقصیرش و بزرگی‌اش می‌نویسم.

یکی از عموهای من قاضی دادگاه‌های همراه با هیأت منصفه بود. این نوع دادگاه‌ها مسئول داوری در مورد جرائم به قصد جان انسان‌ها هستند: آدمکشی و قتل. در بچگی، مواردی را برایم تعریف می‌کرد که می‌توانستیم بفهمیم. روایتش همیشه با این جمله آغاز می‌شدند: «آنها چیه‌ها پیچیده هستند و مجرمیت همیشه امری نیرنگ‌آمیز است.»

حق با او بود. ما در تعقیب چیزها هستیم، ولی چیزها از ما سریع‌تر هستند و هرگز نمی‌توانیم به آنها برسیم. من داستان‌های جنایتکاران، قاچاقچیان مواد مخدر، سارقان پول و روسپیان را روایت می‌کنم. همه این افراد داستان‌های خود را دارند و آنچنان از داستان‌های ما متفاوت نیستند. ما زندگی را صرف رقصیدن بر روی لایه‌ای نازک از یخ سپری می‌کنیم؛ زیر سرد است و در انتظار این است که مرگی آنی را به ما تحمیل کند. برخی افراد غرق می‌شوند زیرا یخ تاب وزن آنان را ندارد. این همان لحظه‌ایست که من به آن علاقمندم. اگر بخت ما را یاری کند، هیچ اتفاقی برای ما رخ نخواهد داد و به رقص خود ادامه می‌دهیم. اگر بخت با ما یاری کند.

عمویم در طول جنگ در نیروی دریایی خدمت کرد و یک نارنجک بازوی چپ و دست راستش را از جا کند. با این حال، به مدت زیادی او تسلیم نشد. می‌گویند که او قاضی خوبی بود، یک انسان بود، یک مرد تمام‌عیار بود و خیلی خوب عدالت را درک می‌کرد. او دوست داشت برای شکار از خانه خارج شود و ملک

کوچکی داشت. یک روز صبح به درون جنگل رفت و با مفصل بازوی راستش ماشه را کشید. او یک ژاکت سیاه رنگ یقه‌اسکی به تن داشت؛ کتش را روی یک شاخه آویزان کرده بود. سرش متلاشی شد. سال‌ها بعد داشتیم عکس‌ها را تماشا می‌کردم. یک نامه‌ی کوتاه برای بهترین دوستش نوشته بود، در آن می‌گفت که به معنای واقعی خسته شده است. آن نامه با این واژگان آغاز می‌شد: «اکثر چیزها پیچیده هستند، و مجرمیت همیشه امری نیرنگ-آمیز است.» همچنان دلتنگ او هستم. همه‌ی روزها. این کتاب در باره‌ی اشخاصی مانند او و داستان‌هایشان هستند.

www.ketab.ir